

اشاره

امروزه اهل علم با گذر از تقلیل‌گرایی اثبات‌گرا دریافته‌اند که برای گشودن رازهای پیچیده جهان هستی، چاره ندارند جز آنکه از یکدیگر بیاموزند، با تأمل و شکیبایی به یکدیگر گوش سپرند و شنوای مشتاق دیدگاه‌ها و نظرات همگان خود در رشته‌ها و شاخه‌های دیگر دانش‌ها باشند. باید اندیشمندان و نظریه‌پردازان این دوران بپذیرند که اثربخشی و تابندگی نور معرفت زمانی حاصل می‌شود که گسترده و فراگیر باشد و تمام زوایای پدیده مورد بررسی را منور سازد. نگاه تقلیل‌گرا ما را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند و تلاش‌های از هم گسسته و مجزا از هم به سرانجام نیکوئی نمی‌رسد. دوران انزوای دانش‌ها از هم و قهر عالمان از یکدیگر بپایان رسیده است. در این راه باید تکبر علمی و تبختر ناشی از توفیقات جزء‌گرایانه را کنار بنهیم و با تواضع و فروتنی که خصلت عالمان است به دانش و یافته‌های دیگر شاخه‌های علم به مثابه مکمل دانش خود نگاه کنیم و از آنها برای توصیف و تبیین تصویری کل‌گرا از پدیده‌های هستی بهره ببریم. دانش را بسان اقیانوسی بیکرانه در نظر آوریم که رودها و نه‌های متعدد و متنوع بدان سرازیر شده‌اند و به آن عظمت و بزرگی بخشیده‌اند. مبدا به این توهم دچار شویم که آن باریکه آبی که رشته علمی ماست، کل دریاست. رجحان علوم بر یکدیگر را کنار بگذاریم و این سلسله‌مراتب تصنعی را از ساحت علم و عالمان بزدائیم. فخر علمی، آفت علم است، بی ارج دانستن علم دیگری و به سرآمدی رشته خود نازیدن مباهاتی جاهلانه است.

از جدائی علوم در سطح فردی که بگذریم در نهادهای علمی نیز ساختارهای سازمانی موجبات جدایی را بخوبی تدارک دیده‌اند. بر سر در هر مجمع علمی نوشته‌اند که این انجمن اقتصاددانان است و دیگری انجمن جامعه‌شناسان و قس علیهذا. هر انجمنی و هر پژوهشکده و دانشکده‌ای اعضای هم رشته خود را گرد هم آورده و در این نهادها اصحاب علوم دیگر اغیارند و راهی بدان‌جا ندارند. اعضای هم‌رشته برای تقویت رشته خود با یکدیگر سخن می‌گویند و در قالب نقشی حمایت‌گر می‌کوشند تا در اعتلای رشته خود اهتمام نمایند. هیچگاه ندیده‌ایم که این تعداد کثیر انجمن‌ها و مجامع علمی با یکدیگر رابطه برقرار کنند و به نقد و مناظره

بپردازند. این جدائی را برخی سیاست‌های نااندیشیده شدت بخشیده است و از آن جمله، تخصصی کردن اجباری کلیه نشریات علمی کشور و پی گرفتن این نظر کهنه تقلیل‌گرائی قرن نوزدهمی است که هرچه بیشتر تخصصی عمل کنیم، نتایج بهتری بدست خواهیم آورد، نظریه‌ای که در جهان امروز خریدار چندانی ندارد و کسی در برجسته ساختن آن تلاش نمی‌کند. البته غرض این نیست که نشریات تخصصی نباشند، اما اینکه یکباره، قانون و قاعده کلی وضع کنیم و همه پژوهشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و مجامع علمی را موظف و مجبور به تخصصی کردن بسیار ریز نشریاتشان بکنیم، سیاستی عاقلانه و علمی بشمار نمی‌آید. فرضاً نشریه مدیریت را به دولتی و بازرگانی و صنعتی و بیمه و گردشگری و کارآفرینی و حسابداری و برنامه‌ریزی و امثالهم تقسیم کردن، چه ثمری دارد مگر نه آنکه امروزه حکمرانی خوب (Good Governance) را حاصل هماهنگی و تعامل سه بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی می‌دانند و مدعی‌اند ارتباط و گفت‌وگو این بخش‌ها با هم وضع جامعه را بهتر می‌سازد. چه ایرادی دارد که اقتصاددان و جامعه‌شناس و روانشناس با هم یک مقاله بنویسند و مساله گرانی در جامعه را از تمامی جهات بررسی کنند. یا آنکه چه مشکلی پیش می‌آید اگر در نشریه‌ای بنام مطالعات مدیریت، که اکنون اجباراً به چندین رشته خاص تقسیم شده، محققان مدیریت دولتی و خصوصی و مالی و اقتصادی و صنعتی و فناوری با هم کار کنند و روایت‌های معتبرتری از تحقیقاتشان را بدست دهند. علم کل‌نگر و شامل که حاصل همکاری و هم‌اندیشی عالمان است، راه پاسخگویی به نیازهای جامعه است و علم تک‌اندیش و منزوی به کار حل مشکلات و اصلاح شرایط مردمان نمی‌آید. باید عالمان از حجره‌ها و اتاق‌های جدا از هم بدر آیند و با یاری با هم، طرحی نو دراندازند. خاطریم هست زمانی که بحث کرسی‌های نظریه‌پردازی پررونق بود و برای اداره آن آئین‌نامه‌ها و نظام‌نامه‌های مطولی نگاشته بودند، در جلسات اولیه بر این نکته اصرار می‌ورزیدیم که علم را با ایجاد اداره و سازمان و قانون و مقررات نمی‌توان بارور کرد و زایش علم نیاز به محیطی طبیعی و آزاد دارد، امیرالمومنین (ع) می‌فرمایند علم وحشی است، باید برای نشر و نمای آن شرایط را فراهم کنیم و بستر توسعه علم را از طریق مشارکت و همکاری و همراهی رشته‌های مختلف علم امکان پذیر سازیم. نیروهای علمی بالقوه عظیمی در نهادهای علمی کشور به تنهائی مشغول کار علمی هستند، برای توسعه علمی باید راه ارتباط و مراوده این سازمان‌ها و

مجامع را با هم فراهم آوریم و بدانیم علمی که بخواهد در خدمت جامعه باشد باید علمی مرکب و کل‌نگر باشد. در همین بلای بیماری کووید ۱۹ که جامعه با آن دست به گریبان است، برای العین مشاهده می‌کنیم که صرف تحقیقات پزشکی و درمانی برای حل مسئله کافی نیست بلکه اقتصاددان و جامعه‌شناس و روان‌شناس باید به یاری هم این معضل پیچیده را چاره‌یابی کنند. "توسعه علوم انسانی" بر این باور است که به قول مولانا:

در معانی تجزیه و افراد نیست	در معانی قسمت و اعداد نیست
پای معنی‌گیر صورت سرکشست	اتحاد یار با یاران خوشست